

## چشم‌انداز اقتصادی - سیاسی بریکس

### ناصر زمانی<sup>۱</sup>

**چکیده:** در شرایط گذار کنونی حاکم بر جهان، کشورها و قدرت‌های اقتصادی مطرح هر کدام به دنبال آن هستند تا از طریق تشکیل اتحادیه و بلوک‌های سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی جایگاه خود را در نظم نوین جهانی بیش از پیش تقویت و تحکیم نمایند. یکی از این تشکلهای نوظهور که در حال حاضر بیشتر جنبه اقتصادی دارد، گروه "بریکس" است. این گروه شامل پنج کشور برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی می‌گردد. پنج عضو بریکس سی درصد از مساحت کره زمین، بیش از چهل و سه درصد از جمعیت دنیا و بیست و پنج درصد تولید ناخالص جهان را در اختیار دارند. ذخایر ارزی پنج کشور یادشده بالغ بر ۴/۴ تریلیون دلار برآورد شده است. مقاله پیش‌رو سعی دارد با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل گروه مذکور، چشم‌انداز اقتصادی-سیاسی بریکس را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** بریک، بریکس، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، قدرت‌های نوظهور اقتصادی.

## مقدمه

ایده تولد بریکس ابتدا در سال ۲۰۰۱ با هدف جابجایی قدرت اقتصادی جهان از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه شکل گرفت. امروزه بریکس با زمانی که وزرای امور خارجه "بریک"<sup>۱</sup> متشکل از برزیل، روسیه، هند و چین در سپتامبر ۲۰۰۶ برای اولین بار در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> در نیویورک برای مذاکرات اولیه گرد هم آمدند، تفاوت زیادی کرده است. نخستین نشست رهبران گروه بریک در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ در "یکاترینبورگ"<sup>۳</sup> روسیه برگزار شد. آفریقای جنوبی در ۲۴ دسامبر ۲۰۱۰ به عضویت بریک درآمد و رئیس‌جمهور این کشور برای اولین بار در نشست سوم سران این گروه در ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ در چین حضور یافت. بنابراین، با اضافه شدن آفریقای جنوبی به جمع یادشده در سال ۲۰۱۱ به‌عنوان عضو پنجم و نماینده قاره آفریقا، نام گروه از بریک به بریکس تغییر یافت. "جیم او. نیل"<sup>۴</sup> اقتصاددان برجسته بانک "گلدمن ساکس"<sup>۵</sup> کسی است که برای اولین بار نام بریک را در دوازده سال پیش به کار برد (Nye, 2013: 1). بریکس و قدرت‌های شرق و جنوب در دهه اخیر رشد اقتصادی بالایی داشته و در چند سال گذشته در سایه بحران مالی و اقتصادی غرب و اروپا، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌اند. همه اعضای بریکس به جز روسیه، از جمله کشورهای در حال توسعه یا اقتصادهای در حال ظهور محسوب می‌گردند. پنج عضو بریکس طی سالیان گذشته به‌واسطه رشد اقتصادی بالا از نفوذ گسترده‌ای در مسائل منطقه‌ای و جهانی برخوردار شده‌اند. بریکس هم‌اکنون به تنهایی حدود نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده است. تولید ناخالص داخلی و اسمی این گروه در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۱۳/۶ تریلیون دلار برآورد شده و به تنهایی ۲۸ درصد توان اقتصادی و سهم قابل توجهی از تولیدات اقتصادی جهان را به خود اختصاص داده است (روزنامه ایران، ۵ خرداد ۱۳۹۲: ۱۰-۹). بریکس نخستین نشست سالانه سران خود را بیش از چهار سال پیش و در اوایل بحران اقتصادی جهانی در روسیه برگزار نمود. بریکس به

1. BRIC ( Brazil ,Russia ,India ,China )

2. United Nations General Assembly

3. Yekaterinburg,Russia,16 June 2009,First BRIC SUMMIT

۴. جیم او. نیل اقتصاددان و مدیر بانک آمریکایی «گلدمن ساکس» در سال ۲۰۰۱ از چهار بازار نوظهوری که در دهه کنونی سریع‌ترین رشد اقتصادی را داشته‌اند، نام برد. این چهار کشور به صورت مخفف "بریک" نامیده می‌شوند که عبارتند از: برزیل، روسیه، هند و چین. بعدها آفریقای جنوبی هم به این گروه اضافه و بریک تبدیل به بریکس گردید.

5. Goldman Sachs

لحاظ ظرفیت بالای اقتصادی اعضای آن در نشست‌های مختلف خود خواستار بازسازی<sup>۱</sup> و اصلاحات در نظام مالی جهان شده تا به‌زعم خویش از این طریق نظام مذکور را به یک نظام کارآمد، مطمئن و باثبات تبدیل نماید. اعضای بریکس از آنجا که آمریکا با کمبود شدید بودجه مواجه است، براین باورند بحران اقتصادی چند سال اخیر ناکارایی و نواقص نظام مالی جهان (که در آن دلار آمریکا بیشترین سهم و بهره را دارد) را به خوبی نشان داده و اکنون زمان انجام اصلاحات جدید در نظام مالی جهان فرا رسیده است. در همین راستا، این کشورها از صندوق بین‌المللی پول<sup>۲</sup> تقاضا کرده‌اند تا میزان حق برداشت مخصوص<sup>۳</sup> را افزایش بدهد. حق برداشت مخصوص دارای و اندوخته بین‌المللی است که توسط صندوق ایجاد گردیده است. از این اندوخته بین‌المللی برای انتقال، تقویت و تکمیل دارایی‌های ذخیره کشورها استفاده می‌شود.

مقاله حاضر به دنبال آن است تا با بررسی ظرفیت‌های موجود و مقایسه وجوه تشابه و اشتراک با جوانب اختلاف و افتراق میان اعضای بریکس نشان بدهد که هرچند چشم‌انداز اقتصادی بریکس در مقایسه با دورنمای سیاسی آن در حال حاضر به مراتب روشن‌تر و امیدبخش‌تر است، اما بریکس با توجه به ماهیت اعضای خویش نمی‌تواند از کنار مسائل مبتلا به جامعه جهانی به آسانی عبور نماید. پنج عضو بریکس از اجلاس چهارم سران خود به این طرف، تمایل خویش برای ورود به مسائل مهم سیاسی پیش روی جهان نامتوازن کنونی را اعلام نموده و سعی در برقراری هماهنگی و تفاهم بیشتر میان خود داشته و دارند. همین مسئله اهمیت برقراری سطحی از ارتباط و تماس میان کشورمان با این گروه را توجیه می‌کند.

### وجوه تشابه و اشتراک میان اعضای بریکس

#### ۱. قدرت‌نمایی در مقابل سلطه و نفوذ آمریکا و اروپا

هر چند برخی از اعضای بریکس کشورهای نوپای صنعتی هستند، اما توانسته‌اند در چند سال اخیر اهمیت خود را به رخ آمریکا و کشورهای اروپایی بکشند. اعضای این گروه برخلاف تصور برخی تنها به همکاری‌های اقتصادی بسنده نکرده‌اند. اگرچه رشد پرشتاب اقتصادی به عنوان اولین و مهم‌ترین وجه اشتراک، این کشورها را به هم مرتبط ساخت، اما در حال حاضر اعضای این گروه تلاش دارند تا در معادلات سیاسی جهان هم نقشی فعال‌تر و متناسب با وزن اقتصادی خود ایفا نمایند. روسیه و چین دو عضو دائمی شورای

1. Revamping

2. IMF (International Monetary Fund)

3. SDR (Special Drawing Right)

امنیت سازمان ملل متحد هستند و سه عضو دیگر بریکس (هند، برزیل و آفریقای جنوبی) هم نامزد عضویت دائم در این شورا می‌باشند. کشورهای بریکس در نشست‌های خود همواره خواستار نفوذ بیشتر اعضای خود در شورای امنیت شده‌اند و این مسئله بیانگر تلاش این کشورها برای ایفای نقشی پررنگ‌تر در مسائل بین‌المللی می‌باشد. سهم کشورهای عضو بریکس از اقتصاد جهانی طی سال‌های اخیر به سرعت افزایش پیدا کرده و انتظار می‌رود این روند همچنان ادامه یابد و به موازات آن اعتبار دیپلماتیک کشورهای بریکس هم فزونی یافته است. همین دو نکته برای قرارگرفتن بریکس در زمره تشکل‌های راهبردی آتی کفایت می‌کند. شواهد حاکی از آن است که برتری اقتصادی غرب به تدریج رو به افول بوده و ثروت جهان طی دهه جاری میان کشورهای بیشتری تقسیم خواهد شد. اگرچه برخی ناظران معتقدند که برتری نظامی آمریکا در دهه آینده همچنان حفظ خواهد شد، اما شواهد نشان می‌دهد میزان تأثیرگذاری آن از هم اکنون در حال کاهش است.

سران بریکس در نشست چهارم خود تحت عنوان: "بریکس: ثبات، امنیت و رفاه" در دهلی‌نو،<sup>۱</sup> موضوعات سیاسی مهمی مثل تحولات سوریه، ایران و بحرین را نیز مورد بحث و بررسی قرار دادند. وزرای تجارت پنج کشور عضو بریکس اعلام کردند با وجود تحریم‌های آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران، روابط تجاری خود با ایران را کاهش نمی‌دهند. هند ۱۲ و چین ۲۰ درصد نفت مورد نیاز خود را از ایران تهیه می‌کنند. در سال گذشته قطعنامه تحریم سوریه در شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی چین و روسیه و تو گردید. در حالی که تنها یک رای ممتنع برای فلج کردن این قطعنامه کافی بود، هند، برزیل و آفریقای جنوبی به قطعنامه مزبور رای ممتنع دادند. پنجمین نشست سران بریکس در مارس ۲۰۱۳ تحت عنوان: "بریکس و آفریقا: مشارکت برای توسعه، همگرایی و صنعتی‌شدن" در شهر دوربان آفریقای جنوبی با حضور "ولادیمیر پوتین"، "جاکوب زوما"، "دیلمار روسف" و "شی جین‌پینگ" رؤسای جمهور روسیه، آفریقای جنوبی، برزیل و چین و همچنین "مان موهان سینگ" نخست وزیر هند برگزار گردید. در این اجلاس موضوعات مهمی مانند ایجاد بانک توسعه مخصوص اعضا و توافق پیرامون میزان سرمایه اولیه این بانک که حدود ۱۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اعضای بریکس در نشست مذکور همچنین خواستار

1. Forth BRICS Summit, New Delhi, 29 March 2012, Brics: Stability, Security and Prosperity

2. Fifth BRICS Summit, Durban, South Africa, 26-27 March 2013, BRICS and Africa: Partnership for Development, Integration and Industrialisation

اصلاح ساختار مؤسسات مالی بین‌المللی به منظور نمایندگی همه کشورها و انعکاس وزنه در حال رشد اعضای بریکس و دیگر کشورهای در حال توسعه شدند و در بیانیه صادره از سوی خود به تاریخ ۲۷ مارس ۲۰۱۳ به این موضوع اشاره نمودند. هدف از تأسیس بانک توسعه، تجهیز و تأمین منابع لازم برای پیشبرد و تحقق پروژه‌های زیربنایی و توسعه پایدار کشورهای بریکس اعلام شده است. ایجاد این بانک مشترک که انتظار می‌رود طی ۵ سال آینده با تأمین ۵/۴ تریلیون دلار نقش خطیری را در پیشبرد پروژه‌های زیربنایی و توسعه‌ای کشورهای عضو ایفا نماید، اقدامی به منزله قدرت‌نمایی بریکس و مقابله آن با سلطه غرب بر "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی" که بازار سرمایه و نظام مالی و پولی بین‌المللی را کنترل می‌کنند، قلمداد می‌گردد. لازم به ذکر است پرداختن به برخی موضوعات مرتبط با صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی در نشست پنجم سران بریکس جلوه دیگری از قدرت‌نمایی آن می‌باشد.<sup>۱</sup>

## ۲. ظهور طبقه متوسط

توسعه و پیشرفت در کشورهای مختلف جهان بدون توسعه و موفقیت طبقه متوسط معنا و مفهومی ندارد. هر چند فاصله رشد اقتصادی میان کشورهای گروه بریکس متغیر است، اما هنوز امکان رشد برای آن‌ها وجود دارد. در برزیل استفاده از کارت‌های اعتباری در سال ۲۰۰۸ که بدترین سال رکود اقتصادی بود، حدود سی درصد افزایش یافت. این موضوع نشان می‌دهد برزیل به دنبال جذب اعتبار از طرف مصرف‌کنندگان است. حتی در روسیه درآمدهای واقعی بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ میلادی ۱۴۲ درصد بیشتر شده است. در چین و هند هم شمار خانوارهای طبقه متوسط افزایش قابل توجهی یافته است. بر اساس تعریفی که سازمان توسعه و همکاری اقتصادی<sup>۲</sup> ارائه کرده است، در سال ۲۰۵۰ نیمی از مردم طبقه متوسط جهان در دو کشور چین و هند حضور خواهند داشت. با این حال، مخاطراتی هم وجود دارند که باید به آن‌ها توجه گردد؛ افزایش قیمت مواد غذایی و نرخ سرسام‌آور مسکن در هند و افزایش تدریجی جمعیت سالمندان در چین به خاطر چندین دهه اجرای سیاست کنترل جمعیت (تک فرزندی)، تهدیداتی برای بی‌ثباتی سرمایه‌های اقتصادی این دو کشور به شمار می‌روند.

۱. برای اطلاع بیشتر از نتایج پنجمین اجلاس سران بریکس و بیانیه منتشره از سوی اعضا، به آدرس: [www.brics5.co.za](http://www.brics5.co.za) مراجعه گردد.

2. OECD (Organization for Economic Cooperation and Development)

### ۳. توجه جدی به تجارت

رشد اقتصادی هر کشوری در سایه فروش محصولات آن امکان‌پذیر است و اگر کشوری از نظر اقتصادی کوچک باشد، زمانی می‌تواند رشد کند که بتواند محصولات خود را به یک مشتری بزرگ‌تر بفروشد؛ اگر اقتصاد و تجارت توأمان رشد نکنند، چیزی به‌عنوان رشد فوق‌العاده ایجاد نخواهد شد. این وضعیت در تمام کشورهای عضو بریکس وجود دارد. پیشرفت‌ها و موفقیت‌های تجاری چین در بیست سال اخیر ناشی از نیروی کار ارزان و برنامه‌های هوشمندانه دولت برای هماهنگی زنجیره‌های تولید و توسعه، ساخت وسایل الکترونیک و پیشرفت صنایع نساجی بوده است. سهم هند از تجارت جهانی بین سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۱۰ سه برابر گردیده و این کشور از بازارهای اقتصادی متنوعی برخوردار شده است. در سال ۲۰۰۰ از هر پنج دلار درآمد ناشی از صادرات هند به خارج یک دلار آن از صادرات به آمریکا بود، این در حالی است که امروزه این رقم به یک دلار از هر هفت دلار صادرات رسیده است. روسیه نیز به‌رغم وابستگی نسبی به اقلام وارداتی و عدم توسعه مناسب در حوزه فناوری، در نیمه دوم دهه اول قرن بیستم میلادی به خاطر افزایش بهای نفت از اقبال بیشتری برای رشد اقتصادی برخوردار گردید. نهایتاً در مورد برزیل هم می‌توان ادعا نمود که از نظر صادرات محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی از رشد بالایی در مقایسه با دیگر اعضای بریکس برخوردار بوده است. در واقع رشد اقتصادی برزیل را می‌توان مدیون سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی دانست که به رشد صنایع داخلی این کشور کمک و باعث افزایش ثروت مشتریان آن گردیده است (Thomson and Fisher, 2012: 2).

یکی از نتایج روانی بحران مالی سپتامبر ۲۰۰۸، تقویت ایده‌های مربوط به افول آمریکا از رأس نظام جهانی بود. این بحران و سرایت سریع آن به پیکره اقتصاد جهانی، موجب تقویت این دیدگاه شد که آمریکا نمی‌تواند برای مدت زیادی همچنان ابرقدرت باقی بماند. همان‌طور که گزارش شرکت گلدمن ساکس نشان داده، بخش مهمی از این نگرانی‌ها در جامعه آمریکا به رشد سریع اقتصادهای در حال رشد در آسیا برمی‌گردد. گفته می‌شود چین در سال ۲۰۲۷ جایگزین اقتصاد آمریکا شده و گروه بریکس تا سال ۲۰۳۲ دارای اقتصادی به‌مراتب بزرگ‌تر از اقتصاد گروه هفت کشور صنعتی جهان<sup>۱</sup> خواهد شد. سهم بریکس در اقتصاد جهانی در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ بالغ بر سی درصد می‌باشد، در حالی که یک دهه قبل از آن سهم این گروه شانزده درصد بوده است. تا سال ۲۰۵۰ میلادی نزدیک به پنجاه درصد از دارایی‌های بازارهای جهانی

1. G-7 (United States of America, Japan, Canada, France, United Kingdom, Germany, Italy)

متعلق به بریکس خواهد بود. این روند فزاینده موجب شده تا کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس<sup>۱</sup> شامل بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات عربی متحده در چند سال گذشته روابط خود را در ابعاد مختلف با بریکس گسترش بدهند.

#### ۴. سرمایه‌داری دولتی

هند تنها عضو بریکس است که در مقایسه با دیگر اعضای این گروه به میزان بیشتری از سیاست‌های اقتصادی بازار آزاد پیروی می‌کند. چهار کشور دیگر هر چند دارای نظام سرمایه‌داری هستند و موفقیت آن‌ها در بازارهای بین‌المللی بخش بزرگی از توسعه آن‌ها محسوب می‌شود، اما نسخه سرمایه‌داری آن‌ها شامل تصدی و هدایت دولت است. از نمونه‌های سرمایه‌داری دولتی می‌توان به شرکت‌های دولتی مانند شرکت ملی نفت و گاز چین "سینوپک" یا شرکت "گازپروم" روسیه اشاره کرد. سرمایه‌داری دولتی متضمن کاربرد مقررات سخت‌گیرانه، دخالت‌ها و کنترل‌های بخش دولتی بر بازارها و شرکت‌ها است. سیاست‌مداران به دنبال اهداف سرمایه‌داری هستند که برای افزایش رشد درازمدت و تشویق توسعه طراحی شده‌اند. البته وضعیت همیشه به این شکل باقی نمی‌ماند، ولی نباید دستاوردهای غول‌های بازار آزاد مثل آمریکا، اروپا و ژاپن را نادیده گرفت.

مدل نظام سرمایه‌داری دولتی الگویی برای دیگر کشورهای در حال توسعه جهان قلمداد می‌گردد. کشورهایی که در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین قرار دارند و اقتصادهای در حال رشد دارند، می‌خواهند با بازارهای جهانی تعامل بیشتری داشته باشند، اما نمی‌خواهند طرح‌ها و نقشه‌هایشان را علنی و به کشورهای غربی رقیب اجازه بدهند تا بر اقتصاد آن‌ها مسلط و حاکم گردند. آن‌ها می‌خواهند از شرکت‌های داخلی محافظت و زمینه رشد این شرکت‌ها را فراهم تا قادر به رقابت با شرکت‌های دیگر در عرصه بین‌المللی بوده و از پول و سرمایه به دست آمده برای توسعه سریع‌تر خود بهره‌برداری نمایند. به‌واسطه شرایط ناشی از بحران اقتصادی جهانی اخیر، دولت‌های غربی و اروپایی نیز برخلاف اصول ادعایی خویش در روند تنظیم بازار آزاد مداخله نمودند. تحت شرایط تزلزل و نوسان شدید بازارهای اقتصادی و ورشکستگی آن‌ها، حتی تجار و طرفداران بازار آزاد در واشنگتن و لندن خواستار دخالت بیشتر دولت در تنظیم بازار هستند.

### ۵. فساد مالی و نیاز به یک جامعه و دولت مقتدر

در حالی که میلیاردها دلار صرف رشد اقتصادی کشورهای جهان می‌شود، درک اهمیت و علت این که کشورهای عضو بریکس و کشورهای در حال توسعه می‌توانند با فساد مالی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مشکلات مواجه گردند، دشوار نیست.

الگوی سرمایه‌داری دولتی همیشه مؤثر و موفق نیست و بعضی مواقع شکست می‌خورد. سیاست‌مداران و مقامات دولتی و حزبی نیز لزوماً همواره براساس منافع ملی کشورهایشان عمل نمی‌کنند و بعضی مواقع سعی دارند کنترل بازارهای اقتصادی و شرکت‌ها را بدست بگیرند و در این راستا منافع شخصی و حزبی را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند. همزمان با رشد اقتصادی کشورها، زمینه بروز و گسترش عوامل ناخوشایندی مانند پارتی‌بازی و انتصاب اقوام و دوستان به مناصب مختلف و فساد مالی و اداری نیز فراهم و صنایع مهم مورد تهدید قرار می‌گیرند. مقابله با چنین مشکلاتی برای مقاماتی که مدیریت بانک صنعتی و تجاری چین را بر عهده دارند، کار آسانی نیست. این بانک یک تریلیون و نهصد میلیارد دلار سرمایه دارد و از هدایت سیاست‌های مردمی سود زیادی می‌برد.

نظام‌های اقتصادی رو به رشد بعضی اوقات ناگزیرند تغییر و تحولات زیادی در صنایع داخلی ایجاد کنند تا از این رهگذر از رکود اقتصادی جلوگیری به عمل آید، این در حالی است که مقامات بخش‌های دولتی و خصوصی که به خاطر رشد صنایع داخلی ثروتمند و قدرتمند شده‌اند در مقابل تغییر و تحولاتی که به آن‌ها آسیب می‌رساند، مقاومت می‌کنند؛ برای مثال، در چین بعضی از کارشناسان مسائل اقتصادی از خود می‌پرسند آیا حزب کمونیست می‌تواند اصلاحاتی را انجام بدهد که باعث افزایش رشد داخلی شده و شرکت‌های دولتی صادرکننده که اقتصاد و نظام سیاسی چین را تحت کنترل دارند، تضعیف کند؟ یا ممکن است شرکت "گازپروم" به خاطر این که عملکرد و تصمیم‌های این شرکت به ضرر روسیه و همسایگانش تمام شده، توجه بیشتری به سیاست‌های خارجی خود نماید.

مسکو زمانی اوکراین را متهم به دزدی گاز کرد و صادرات این محصول به آن کشور را قطع نمود. هر چند سرانجام مقامات اوکراین پول گاز را پرداخت نمودند، اما به روابط روسیه با اروپا به لحاظ این مسئله ضربه شدیدی وارد آمد. هند نیز با وجود اقتصاد آزاد از تأثیرات مخرب فساد مالی در امان نبوده است. برای نمونه به برخی از مقامات هند در سال ۲۰۰۸ رشوه پرداخت شد تا در ازای آن حقوق پهنای باند شبکه‌های تلفن‌های همراه را پایین‌تر از نرخ بازار به فروش برسانند. در آن ماجرا چهل



میلیارد دلار از سرمایه شرکت‌های مخابراتی هند زیر قیمت به شرکت‌های ارتباطاتی فروخته شد (Thompson and Fisher, 2012: 3).

اگر سرمایه‌داری دولتی را نقطه قوت کشورهای عضو بریکس و فساد مالی را نقطه ضعف آن‌ها تصور نماییم، نکته عبرت‌آموز این است که اقتصادهای سالم نیازمند دولت‌های سالم هستند؛ به این معنا که یک کشور باید مدیریت مسئولانه‌ای در مقابل اوضاع اقتصادی خود داشته باشد. بنابراین، جامعه باید از حقوق خویش مطلع و به اندازه‌ای مقتدر باشد که بتواند پیگیر منافع خود و برخورد مسئولانه مدیران اقتصادی و صنعتی گردد.

#### ۶. یارگیری منطقه‌ای

بریکس نامی جدید در فهرست سازمان‌ها، گروه‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است که به تدریج بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. امروزه تغییر و تحولات سریع معادلات سیاسی، اقتصادی و نظامی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شده است تا کشورها بنا به جایگاه خود در عرصه جهانی، خواستار همکاری و تعامل بیشتر با یکدیگر گردند. الزامات ناشی از این امر به نوبه خود اتحادها و ائتلاف‌های جدیدی را رقم زده، ائتلاف‌های پیشین را تقویت و یا تضعیف می‌کند. اتحادیه عرب<sup>۱</sup>، اتحادیه اروپا، شورای همکاری خلیج فارس، پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، اتحادیه آسه‌آن<sup>۲</sup>، اتحادیه آفریقا<sup>۳</sup>، ایکواس<sup>۴</sup>، گروه هفت کشور صنعتی جهان، گروه بیست<sup>۵</sup>، نفتا<sup>۶</sup>، مرکوسور<sup>۷</sup>

۱. اتحادیه عرب سازمانی منطقه‌ای عمدتاً از کشورهای عربی، جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا است که در ۲۲ مارس ۱۹۴۵ با ۶ عضو تاسیس و در حال حاضر بیست و دو کشور شامل مصر، عربستان، عراق، عمان، سوریه، لبنان، اردن، یمن، بحرین، قطر، سودان، امارات، تونس، مراکش، کویت، الجزایر، موریتانی، جیبوتی، کومور، لیبی، فلسطین و سومالی عضو آن هستند.

2. ASEAN (Association of Southeast Asian Nations), Established in 1967.

3. African Unity

4. ECOWAS (The Economic Community of West African States), Established in 2010

5. G-20, Established in 1999

6. NAFTA (North American Free Trade Agreement), Established in 1991

۷. بازار مشترک جنوب (مرکوسور) در سال ۱۹۹۱ به عنوان یک پیمان منطقه‌ای اقتصادی در آمریکای جنوبی شکل گرفت. برزیل، آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه و ونزوئلا پنج عضو دائم آن هستند، هفت عضو مرتبط و دو عضو ناظر هم دارد.

اوناسور<sup>۱</sup> سازمان همکاری شانگهای<sup>۲</sup> و جنبش عدم تعهد<sup>۳</sup> همگی در همین راستا حرکت و برای تحقق چشم‌اندازهای مشترک با تکیه بر عوامل سیاسی، اقتصادی، نظامی و جغرافیایی فعالیت می‌کنند.

### ۷. منابع انسانی و نیروی کار رو به رشد

در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۴ قدرت از ۵ قدرت اقتصادی جهان از میان کشورهای غربی بودند. با توجه به تحقیقات شرکت "گلدمن ساکس"، در سال ۲۰۵۰ فقط آمریکا به‌عنوان کشوری غربی در میان ۵ اقتصاد برتر دنیا حضور خواهد داشت. اگرچه آمریکا در سال ۲۰۵۰ احتمالاً هنوز دومین اقتصاد دنیا خواهد بود، اما در مقایسه با اقتصاد چین ابعاد بسیار کوچک‌تری خواهد داشت. "گلدمن ساکس" پیش‌بینی کرده است تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۲۷ به تولید ناخالص داخلی آمریکا رسیده و سپس آن را پشت سر می‌گذارد. مجموع تولید ناخالص داخلی برزیل، روسیه، هند و چین که از اعضای بریکس هستند تا سال ۲۰۳۲ با تولید ناخالص داخلی کنونی کشورهای مهم غربی برابری خواهد کرد. طبق پیش‌بینی بانک جهانی، دلار، یورو و یوان براساس نظام پولی چند ارزی تا سال ۲۰۲۵ ارزشی برابر پیدا می‌کنند، در نتیجه دلار سلطه خود را در بازار بین‌المللی مبادلات ارزی از دست خواهد داد. چین هم‌اکنون ژاپن را پشت سر گذاشته و به دومین اقتصاد بزرگ تبدیل شده است. آمار و ارقام نشان می‌دهند چین بزودی آمریکا را هم کنار می‌زند و به اقتصاد شماره یک جهان تبدیل می‌گردد. آمریکا در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد ۴۷۰ میلیارد دلار کسری بودجه دارد. این عامل می‌تواند عدم توازن جهانی را تشدید و آینده رشد اقتصادی آمریکا را با تهدید مواجه نماید. این در حالی است که چین در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد ۳۰۵ میلیارد دلار مازاد دارد. نرخ متوسط مصرف آمریکا طی دهه گذشته ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بوده و نرخ پس‌انداز آن تقریباً ۵/۳ درصد، اما نرخ متوسط مصرف چین در همین مدت ۳۵ درصد

۱. مقدمات تأسیس اوناسور (UNASUR) یا اتحادیه ملل آمریکای جنوبی در ۸ دسامبر ۲۰۰۴ شکل گرفت. در حال حاضر ۱۲ عضو دائم از جمله برزیل و ۲ عضو ناظر شامل مکزیک و پاناما دارد.

۲. سازمان همکاری شانگهای (The Shanghai Cooperation Organization) در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای توسط چین، قزاقستان، روسیه، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان تأسیس گردید. ایران، افغانستان، پاکستان، هند و مغولستان اعضای ناظر این سازمان هستند. ترکیه، سریلانکا و بلاروس نیز اعضای طرف گفتگوی سازمان یادشده می‌باشند.

### 3. Non Aligned Movement (NAM)

تولید ناخالص داخلی و نرخ پس‌انداز آن ۴۰ درصد بوده است. چین بخشی از انباشته‌سازی خود را به صندوق‌های مازاد ارزی منتقل کرده و از محل آن در گوشه و کنار جهان سرمایه‌گذاری‌های راهبردی انجام می‌دهد. در بهار ۲۰۱۰، موجودی سه صندوق بزرگ چین در مجموع ۷۸۰ میلیارد دلار بوده است؛ رقمی که تقریباً برابر با تولید ناخالص داخلی هلند است. بدهی دولت آمریکا در اوایل سال ۲۰۱۱ به چهارده تریلیون دلار رسید که این میزان بیش از نود درصد تولید ناخالص داخلی آن را تشکیل می‌دهد. کسری بودجه سالانه این کشور از زمان جنگ جهانی دوم به بالاترین حد خود رسیده است. چین هم‌زمان با افزایش بدهی آمریکا به مهم‌ترین خریدار خارجی اوراق بهادار این کشور تبدیل شده و برهمن اساس تا پایان سال ۲۰۱۰، ۲/۱ تریلیون دلار از دیون آمریکا را خریداری کرده است. بیش از بیست و پنج درصد از اوراق بهادار آمریکا که از سوی کشورهای خارجی خریداری شده، در اختیار چین قرار دارد. در واقع، پنجاه درصد از دیون دولت آمریکا در ابتدای سال ۲۰۱۰ در اختیار خارجی‌ها بوده که باعث افزایش شدید آسیب‌پذیری مالی این کشور گردیده است. البته پیش‌بینی می‌شود سیر صعودی اقتصاد چین به مرور زمان کاهش خواهد یافت. پس از آن که اقتصاد ملی به حداکثر تکامل خود می‌رسد، معمولاً نرخ رشد، نرخ پس‌انداز و مازاد بودجه با افت مواجه می‌گردند. آینده رشد چین، هند و دیگر کشورهای در حال توسعه به واقعیت‌های تغییرناپذیر جمعیتی آن‌ها هم مربوط می‌شود. جمعیت کشورهای غربی کمتر از بیست درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. در ضمن همین میزان جمعیت هم در سال‌های آینده با پیری بیشتر و کاهش‌های نسبی و مطلق روبه‌رو خواهد شد.

اگرچه جمعیت و نیروی کار آمریکا طی دهه آینده به خاطر مهاجرت اتباع دیگر کشورها و نرخ زاد و ولد بالاتر آنها به مرور افزایش می‌یابد، اما جمعیت اروپا با کاهش مواجه خواهد شد. نرخ زاد و ولد کلی اتحادیه اروپا کمتر از میزانی است که بتواند حتی جمعیت کنونی خود را حفظ کند. نرخ مهاجرت در اتحادیه اروپا هم کمتر از آمریکا است. البته جمعیت چین به خاطر اتخاذ سیاست تک‌فرزندی از حدود سال ۲۰۲۵ رو به کاهش خواهد گذاشت و به تدریج جمعیت آن پیرتر خواهد شد و این امر تأثیر مستقیمی بر روی کم و کیف نیروی کار آن خواهد داشت، با این حال چین و هند همچنان در سال‌های آتی از نیروی کار چشمگیری برخوردار خواهند بود. بسیاری از دیگر کشورهای در حال توسعه هم در سال‌های پیش رو از افزایش گسترده نیروی کار بهره‌مند خواهند شد.

افزایش نسبی نیروی کار متخصص در کشورهای در حال توسعه و کاهش آن در کشورهای غربی و انتقال سرمایه فکری از مرکز به پیرامون نظام جهانی، از جمله عوامل

تقویت جایگاه قدرت‌های اقتصادی نوظهور و برخی کشورهای در حال توسعه می‌باشند. هر چند آمریکا و برخی کشورهای اروپایی از جمله انگلیس هنوز هم مدعی هستند بهترین نظام دانشگاهی و دانشگاه‌های تراز اول جهان را در اختیار دارند، اما بسیاری از دانشجویان این دانشگاه‌ها خارجی بوده و معمولاً پس از کسب مهارت لازم به کشورهای خود مراجعت می‌کنند. در سال ۱۹۷۸، حدود ۱۲ درصد از فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری دانشگاه‌های مطرح آمریکایی و اروپایی از اتباع خارجی بودند. در سال ۲۰۰۸ این میزان به ۳۳ درصد رسید. در سال ۲۰۰۸ حدود ۳۰ درصد از دانشجویان خارجی که موفق به اخذ مدرک دکتری شدند، شهروندان چینی بودند. با احتساب دانشجویان هندی و کره جنوبی این میزان به ۵۰ درصد می‌رسد. در نتیجه، جای تعجب ندارد که مقاله‌های علمی منتشره توسط شهروندان آسیایی از ۱۶ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۲۵ درصد در سال ۲۰۰۴ رسیده است. تعداد دانشجویان چینی و هندی در دانشگاه‌های آمریکای شمالی بشدت افزایش یافته است. تعداد دانشجویان چینی از ۶۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۲ به ۱۹۴ هزار تن در سال ۲۰۱۲ و دانشجویان هندی از ۶۷ هزار تن به بیش از ۱۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۲ رسیده است (شریف روحانی، ۱۳۹۱: ۱ و محبوبانی، ۱۳۹۲: ۴).

## جوانب اختلاف و افتراق میان اعضای بریکس

### ۱. ترکیب ناهمگون سیاسی و اقتصادی

با نگاهی به ترکیب اعضای بریکس متوجه نکات مهمی می‌شویم. گروه یادشده ترکیبی از کشورهای آسیایی، آفریقایی، اروپایی و البته عضوی از آمریکای جنوبی، آمیزه‌ای از قدرت‌های اقتصادی نوظهور، نظام‌های کمونیستی و سرمایه‌داری، کشورهای دارای فناوری هسته‌ای، اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و بالاخره کشورهای پرجمعیت جهان است که حدود نیمی از مردم کره زمین را در خود جای داده‌اند.

برخی از محققین، کشورهای چین، هند و برزیل را پویاترین و نوظهورترین قدرت‌های اقتصادی جهان به حساب می‌آورند. هند بزرگ‌ترین دموکراسی جهان نامیده می‌شود، درحالی که چین بزرگ‌ترین تولیدکننده دنیا به‌شمار می‌آید و برزیل هم پرتحرک‌ترین اقتصاد مشتری‌مدار جهان را دارد که روز به روز گسترش پیدا می‌کند. روسیه ساختار جمعیتی و قومیتی ناموزونی دارد و عملکرد بخش خصوصی آن، صرف‌نظر از منابع طبیعی بسیار غنی این کشور، نسبتاً ضعیف است.

برای گروه بریکس گام نهادن در مسیری مشترک و ایفای نقشی هماهنگ، چندان هم عاری از دردسر نبوده و نیست. کشورهای عضو بریکس با نابرابری اقتصادی روبرو هستند و میانگین امید به زندگی در آن‌ها از هفت کشور صنعتی جهان پایین‌تر است. کشورهای عضو این گروه هر چند اقتصادهای نوظهور قلمداد می‌شوند، اما تفاوت‌های زیادی آن‌ها را از همدیگر متمایز کرده است. این درست همان مانعی است که حالا بریکس می‌خواهد برای رسیدن به موفقیت بیشتر و ایفای نقش برتر در اقتصاد جهانی از سر راه خود بردارد.

برخی از صاحب‌نظران، آفریقای جنوبی را مهره‌ای همگون با چهار کشور دیگر نمی‌دانند و معتقدند اقتصاد آفریقای جنوبی در مقایسه با اعضای دیگر بریکس کوچک‌تر بوده و درآمد ناخالص داخلی آن تنها نیم درصد از دارایی جهان را تشکیل می‌دهد. آن‌ها کشورهایی مانند ترکیه، اندونزی، مکزیک، کره جنوبی و حتی عربستان سعودی و لهستان را برای یک‌دست شدن گروه بریکس بیشتر از آفریقای جنوبی واجد شرایط عضویت در چنین گروهی می‌دانند. این در حالی است که میزان مبادلات تجاری آفریقای جنوبی با گروه بریک در سال ۲۰۰۵ نه میلیارد و دویست میلیون دلار بوده و در سال ۲۰۱۰ با بیش از دو برابر افزایش، بالغ بر بیست میلیارد و چهارصد میلیون دلار گردیده است. چین در حال حاضر بزرگ‌ترین شریک تجاری و مهم‌ترین سرمایه‌گذار در آفریقای جنوبی می‌باشد و براساس گزارش‌های منتشره توسط سفارت چین در آفریقای جنوبی میزان مبادلات تجاری طرفین در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۲۰۱ میلیارد راند<sup>۱</sup> بوده است (ایرنا، ۹۲/۱/۷: ۱-۲ و ۹۲/۲/۳۰: ۱-۲).

## ۲. عدم انسجام و پیوستگی

به‌رغم مواضع اتخاذ شده از سوی اعضای بریکس در نشست سال ۲۰۱۲ سران این گروه در دهلی‌نو، شک و تردیدها درمورد انسجام و پیوستگی لازم در درون این گروه همچنان پابرجاست. این واقعیت که بریکس طی دهه اخیر به عنوان یک نهاد مشورتی<sup>۲</sup> در حوزه مسائل اقتصادی و سیاسی جهانی عمل کرده، قابل انکار نیست. پیش‌بینی‌ها نیز حکایت از آن دارند که اقتصاد مشترک کشورهای بریکس تا سال ۲۰۳۵ از گروه هفت کشور صنعتی جهان پیشی خواهد گرفت. با این وجود درحالی که گروه بریکس به عنوان پنج

۱. راند (RAND) واحد پول آفریقای جنوبی است. در حال حاضر هر راند حدود ۰/۱۳ یک دلار می‌باشد، یعنی هر دلار معادل هشت راند است.

قدرت نوظهور اقتصادی، فرصتی برای هر یک از اعضای خود به منظور ایفای نقشی مهم در صحنه بین‌المللی فراهم می‌کند، یکی از چالش‌های پیش رو، حفظ انسجام لازم میان اعضای آن خواهد بود. یکی از مصادیق اختلاف نظر میان اعضای بریکس به موضوع بانک توسعه بریکس مربوط می‌شود که در رابطه با آن اختلاف‌های آشکاری در مواضع، منافع و خط‌مشی کشورهای عضو به چشم می‌خورد. اعضای این گروه با توجه به ذخایر ارزی قابل توجه چین، نگران سلطه پکن بر بانک مزبور هستند. همچنین به‌رغم موافقت سران بریکس در جریان پنجمین نشست خود در دوربان آفریقای جنوبی در مارس ۲۰۱۳ نسبت به تأسیس بانک توسعه، هنوز در مورد میزان سهم هر یک از اعضا اختلاف نظر وجود دارد. این مسئله اعضا را ناگزیر از برگزاری مذاکرات بیشتر در این زمینه کرده است. اختلاف نظر میان اعضای بریکس موضوع تازه‌ای نیست و آن‌ها پیش از این در خصوص موضوعاتی مانند حمایت از یک نامزد واحد و مشترک برای ریاست بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول ناتوان بوده‌اند. هر چند حضور دسته‌جمعی اعضای بریکس در نشست دو سال پیش شورای امنیت سازمان ملل فرصتی جهت هماهنگی و پیشبرد مواضع مشترک آن‌ها در مورد مسائل جهانی فراهم کرد، اما گروه بریکس در اتخاذ مواضع یکسانی در مورد حوادث لیبی و سوریه نتوانست موفقیت زیادی کسب نماید. در مورد قطعنامه ۱۹۷۳ مربوط به ایجاد "منطقه ممنوعه پروازی" در لیبی، آفریقای جنوبی تنها کشور عضو بریکس بود که به آن رأی مثبت داد و در ارتباط با موضوع سوریه و قطعنامه محکومیت بشار اسد نیز هند، برزیل و آفریقای جنوبی با رأی موافق خود برخلاف وتوی چین و روسیه عمل کردند. با این که کماکان شانس یکی شدن مواضع سیاسی این کشورها محتمل به نظر می‌رسد، اما این نکته که بریکس یک گروه ناهمگون متشکل از دولتی است که شرایط سیاسی داخلی حاکم بر آن‌ها تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند را نمی‌توان نادیده گرفت.

### ۳. برتری زمینه‌های اختلاف و رقابت بر زمینه‌های اتفاق و وحدت

آمار و ارقام درمورد تأثیر گروه بریکس بر رشد اقتصاد جهان به اندازه کافی گویا و رسا می‌باشند. ارتقای قابل توجه سهم پنج کشور عضو گروه بریکس در غنی‌شدن تولیدات کره زمین از شانزده تا بیست و پنج درصد و احتمال افزایش این میزان با لحاظ شرایط فعلی اروپا و رکود اقتصادی آمریکا بر کسی پوشیده نیست، با این وجود و به‌رغم تأثیرات

آشکار بریکس، کشورهای عضو این گروه هنوز از نظر اقتدار سیاسی جایگاه قابل توجهی را در صحنه بین‌المللی به خود اختصاص نداده‌اند.

تلاش گروه بریکس برای تبدیل شدن به یک بلوک جدید قدرت، با موانع داخلی، از جمله در عرصه راهبردهای اقتصادی و سیاسی روبرو می‌باشد. اصلی‌ترین نهادهای جهانی و در درجه نخست صندوق بین‌المللی پول، بعد از جنگ جهانی دوم و در زمانی که جامعه جهانی تحت تأثیر کامل قدرتهای اقتصادی وقت قرار داشت، شکل گرفتند و در حال حاضر کشورهای صاحب قدرت به راحتی حاضر به از دست دادن چنین جایگاه ممتازی نیستند. به همین دلیل، در سال ۲۰۱۲ بر سر انتخاب رئیس جدید بانک جهانی اختلاف نظر و بحث و جدل روی داد. براساس قانونی نانوشته در طول سال‌های گذشته، ریاست دو نهاد مهم پولی و مالی جهان، یعنی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول میان نامزدهای مورد حمایت آمریکا و اروپا تقسیم و دست به دست می‌شود.<sup>۱</sup> آمریکا که در ازای سپردن ریاست صندوق بین‌المللی پول به یک فرد اروپایی در مورد انتخاب ریاست بانک جهانی تصمیم می‌گیرد، در سال ۲۰۱۲ "جیم یونگ‌کیم"<sup>۲</sup> کره‌ای‌الصل و استاد دانشگاه را برای تصدی پست یادشده مطرح نمود که سرانجام همین فرد انتخاب شد، در حالی که کشورهای عضو بریکس خواستار انتخاب "انگوزی اکونجو ایوبلای" نیجریه‌ای برای ریاست بانک جهانی بودند. تداوم مواضع متفاوت دو طرف بر سر این پست بیش از هر زمان دیگری نگاه کنجکاو جامعه جهانی را به خود جلب نمود و این در حالی بود که هر دو طرف نسبت به ضرر و زیان ناشی از عدم توافق با دیگری واقف بودند. کشورهای عضو بریکس به فناوری برتر و علوم پیشرفته و بازارهای فعال در این عرصه نیازمندند و کشورهای غربی هم به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم اقتصادی کشورهای در حال توسعه در سرزمین‌های خود به منظور بازگشت به شرایط طلایی سابق دل بسته‌اند. همین نیاز متقابل سبب بروز پارادوکس و تضادهایی در بستر فعالیت‌های این پنج کشور و حتی این باور کلی مبنی بر تمایلات ضد غربی گروه بریکس شده است.

در حال حاضر اعضای بریکس و در رأس آن‌ها چین همچنان برای توسعه اقتصاد خود به آمریکا متکی هستند. اختلاف نظرهای اعضای این گروه در پاره‌ای از مسائل، به‌ویژه تنش‌های موجود میان هند و چین در مورد تمامیت ارضی و محدوده قلمروی دو کشور، از تأثیر تصمیم‌های مهم نشست‌های دوره‌ای بریکس کاسته و می‌کاهند. یکی از

۱. این مسئله بخشی از ساز و کار تقسیم قدرت در جهان میان فاتحان جنگ جهانی بوده است.

2. Jim Yong Kim, 12th President, World Bank Group, Elected on July 1, 2012

اختلافات اساسی چین و هند بر سر مسائل مربوط به تبت است. تا قبل از دهه ۱۹۶۰، هند مشارکت مؤثری در اداره این منطقه داشت و از آنجا که چین هم درگیر مسائل داخلی خویش بود با این وضعیت مشکل زیادی نداشت تا این که نهایتاً تصمیم گرفت حاکمیت مطلق خود را جهت اداره این منطقه اعمال و از نیروی نظامی برای این منظور استفاده کند. اعتراض هند در این زمینه هم به عنوان یک اختلاف تاریخی ثبت شده است (همشهری آنلاین، ۱۳۹۱/۱/۲۷).

کشورهای اروپایی دارای اشتراکات متنوعی هستند و این مشترکات بیشتر در زمینه‌های نژادی، اقلیمی، مرزی و مالی هستند. نکته مهم اینجاست که اتحادیه اروپا دارای محدودیت از لحاظ جغرافیایی می‌باشد. در مقابل، گروه بریکس با نمایندگی چهار قاره مختلف جهان هر چند از وسعت اقلیمی بیشتری برخوردار است که به نوبه خود از بُعد اقتصادی مهم به‌نظر می‌رسد، اما در مقابل از امتیاز اشتراکات نژادی و سرزمینی بی‌بهره است.

#### ۴. انگیزه‌های متفاوت و فقدان تمایل لازم برای مشارکت کامل

با وجود پیش‌بینی‌های پرسروصدایی که درباره قدرت، نفوذ و تأثیرگذاری گروه بریکس در عرصه جهانی به‌عمل آمده، تاکنون نمونه ملموسی از این تأثیرگذاری رویت نگردیده است. وقتی در اجلاس سال پیش سران این گروه اعلام شد که بریکس به دنبال تأسیس بانک توسعه است، ناگهان این نام در کانون توجه قرار گرفت و همه رسانه‌ها به تحلیل و گمانه‌زنی درباره این گروه و تأثیرگذاری‌اش بر آینده جهان پرداختند، اما در کنار این تحلیل‌ها، روند تعیین رئیس جدید بانک جهانی به عنوان یکی از دو نهاد قدرتمند تصمیم‌گیری مالی و پولی جهان دورنمایی تیره از تأثیرگذاری گروه بریکس را به نمایش می‌گذاشت. براساس برخی پیش‌بینی‌ها، انتظار می‌رفت طی دو سه سال گذشته، یعنی هنگام انتخاب رؤسای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، اعضای بریکس سهم‌خواهی و قدرت خود را به نمایش بگذارند و این قانون نانوشته را بر هم بزنند. دو سال قبل یک مکزیکی به عنوان نامزد کشورهای در حال توسعه برای ریاست صندوق بین‌المللی پول مطرح شد، اما چون این کشورها نتوانستند بر سر حمایت از او به تفاهم برسند باز هم مانند سال‌های گذشته این منصب مهم به یک فرانسوی رسید. در آن زمان وقتی برزیل و دیگر کشورهای در حال توسعه از توافق بر سر نامزدی واحد برای



ریاست صندوق بین‌المللی پول درمانده شدند به رایزنی با "کریستین لاگارد"<sup>۱</sup> فرانسوی پرداختند تا در ازای حمایت از او، اصلاحاتی در درون این صندوق صورت پذیرد. موضوع این اصلاحات تقویت قدرت، صدا و سهم قدرت‌های نوظهور اقتصادی جهان بود. سال پیش هم بحث در مورد انتخاب ریاست بانک جهانی داغ شد. آمریکا که این سمت را حق خود می‌دانست پیش‌دستی نمود و با زیرکی، یک آمریکایی کره‌ای تبار را برای این سمت نامزد کرد. با این کار، هم ریاست بانک جهانی در دست آمریکا ماند و هم کشورهای در حال توسعه شرق احساس کردند سهمی در این انتخاب داشته‌اند. وزیر دارایی کنونی نیجریه و وزیر دارایی سابق کلمبیا از جمله نامزدهای کشورهای در حال توسعه بودند، اما نه بریکس و نه دیگر کشورهای در حال توسعه، تفاهم و توافقی بر سر این نامزدها نداشتند. برزیل نیز هشدار داده بود اگر توافقی میان کشورهای در حال توسعه در این زمینه حاصل نگردد، فرصت به دست آمده ضایع و ریاست بانک جهانی بار دیگر از آن یک آمریکایی می‌شود. این اتفاق افتاد و "جیم یونگ‌کیم" رئیس بانک جهانی شد.

گروه بریکس هر آنچه یک گروه و اتحاد قدرتمند جهانی بایستی داشته باشد را در اختیار دارد. قدرت نظامی هسته‌ای، دو کرسی دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد با حق وتو، حدود نیمی از جمعیت جهان و یک چهارم رشد اقتصاد جهان در هر گروه و مجموعه‌ای متمرکز شده باشد می‌تواند به آن توان قابل توجهی بدهد، اما وقتی پای مشارکت در ثروت و تجارت در میان است، این توان در جهت چانه‌زنی و نه تقابل با رقیب به کار گرفته می‌شود؛ حتی اگر این رقیب، غرب تضعیف شده به واسطه بحران مالی باشد. اختلافات ارضی میان چین و هند، اشتیاق و تمایل چین به حضور در شکل منطقه‌ای با ژاپن و کره جنوبی، موقعیت و حضور جغرافیایی برزیل در آمریکای لاتین، مخالفت و نگرانی روسیه و هند از گسترش سلطه و نفوذ چین و... از جمله دلایل تضعیف‌کننده اتفاق نظر در روند دستیابی به تصمیم‌های راهبردی در درون بریکس محسوب می‌گردند.

هر چند به نظر می‌رسد بریکس عزم خود را برای اصلاح ساختارهای اقتصادی و مالی جهان جزم کرده، اما تلاش کشورهای عضو در این راستا اختلاف نظرهایی را در میان خود این دولت‌ها پدید آورده است. به عبارتی مواضع کشورهای عضو در این زمینه هنوز یکسان و مشابه نیستند. چین که جایگاه بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی را به خود

۱. کریستین لاگارد وزیر دارایی فرانسه یک ماه بعد از رسوایی جنسی استراوس کان و در ۵ جولای ۲۰۱۲ جایگزین وی گردید و به عنوان رئیس جدید صندوق بین‌المللی پول کار خود را آغاز نمود.

اختصاص داده است، خواستار موقعیتی بهتر نزد صندوق بین‌المللی پول و نقشی مهم‌تر برای واحد پولی خود (یوان) در مبادلات ارزی بین‌المللی و تجارت جهانی بوده و بریکس را فرصتی مناسب برای زورآزمایی یوان با دلار و یورو می‌داند. چین از بیشترین میزان ذخایر ارزی به مبلغ ۳۲۰۰ میلیارد دلار برخوردار است. ذخایر ارزی هند، برزیل و روسیه نیز به ترتیب ۳۲۰، ۳۵۰ و ۵۲۴ میلیارد دلار برآورد شده‌اند. تولید ناخالص داخلی هند از ۳۱۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۱/۷ تریلیون دلار در حال حاضر رسیده و تولید ناخالص داخلی برزیل نیز در همین زمان رشد ۲۰ درصدی را تجربه کرده و از ۴۶۲ میلیارد دلار به ۲ تریلیون دلار رسیده که نشان دهنده انتقال تدریجی کانون ثروت از آمریکا به سایر نقاط جهان است (حسینی، ۱۳۹۱/۱/۱۰: ۱). احتمالات زیادی در مورد این که دولت روسیه از حق برداشت خاص از صندوق بین‌المللی پول به منظور حمایت از کشورهای بحران‌زده و گرفتار استفاده کند، مطرح شده است. کارشناسان اقتصادی روسیه معتقدند هر چند مسکو از بی‌ثباتی اروپا سودی نمی‌برد، احتمال این که کرملین به ذخایر بانک مرکزی مراجعه کند، بعید به نظر می‌رسد. کرملین در این عرصه احتمالاً ترجیح می‌دهد برای انجام دخالت‌های مستقیم از طریق صندوق بین‌المللی پول به کشورهای ضعیف‌تر جنوب اروپا، نظیر یونان، اسپانیا و ایتالیا مساعدت نماید. به علاوه مسکو تلاش می‌کند با رد انتقادات وارده از سوی غرب نسبت به نحوه پیروزی مجدد ولادیمیر پوتین در انتخابات ریاست جمهوری این کشور، موقعیت از دست رفته قبلی در پی سقوط شوروی را با حضور مجدد نامبرده در رأس قدرت احیا نماید (عظیمی، ۱۳۹۲/۱/۲۷: ۱).

##### ۵. اقتصادهای نیرومند اما رقیب

در گزارش گلدمن ساکس منتشره در سال ۲۰۱۱ به طور متوسط رشد اقتصادی برای ادامه دهه کنونی در برزیل ۵/۲ درصد، در روسیه ۵/۴ درصد، در هند ۶/۳ درصد و در چین ۶/۹ درصد تخمین زده شده است و به نظر می‌رسد روسیه و برزیل کمترین رشد را نسبت به شرایط رویایی دهه گذشته خواهند داشت، اما چین و هند هنوز هم رؤیای رسیدن به آن نرخ رشد طلایی را دارند (همدانی، ۱۳۹۱: ۱ و ۴). رشد نسبی اقتصادی اعضای بریکس در حالی ادامه می‌یابد که از نظر اقتصاد داخلی با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند. در هند فقر و اختلاف طبقاتی هنوز بیداد می‌کند. در چین هم شرایط مشابهی برای میلیون‌ها خانوار ساکن این سرزمین وجود دارد. چین و هند سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در آمریکا و اتحادیه اروپا انجام داده‌اند. مصرف‌کننده‌های برزیلی از زمان شروع بحران اقتصادی، زیر بار سنگین بدهی‌های مختلف قرار گرفته‌اند و

این در حالی است که میزان صادرات مواد خام و توانایی سرمایه‌گذاری برزیل و روسیه در کشورهایی همچون آمریکا رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد. چین برتری اقتصادی قابل توجهی نسبت به بقیه اعضای بریکس دارد. اقتصاد این کشور چهار برابر برزیل و ده برابر هند است. این مسئله تا به حال یکی از دلایل عدم حمایت چین از تحقق ایجاد بانک توسعه بریکس بوده است. مانع بزرگ دیگر رقابت فشرده‌ای است که هرکدام از اعضای بریکس در بازار کشورهای توسعه یافته با دیگری دارد. به همین دلیل به نظر می‌رسد در مقطع فعلی بریکس صرفاً به یک همکاری مشترک اقتصادی بین کشورهای عضو بسنده نموده، چون راه درازی را در عمل کردن و شناخته شدن به عنوان یک بلوک جدید قدرت در عرصه بین‌المللی پیش روی خود دارد. کشورهای عضو بریکس در حوزه‌های کلیدی دیگر نیز در رقابتی استراتژیک به سر می‌برند. در آسیا، از جمله در هند و روسیه موانع سختی علیه سلطه‌طلبی منطقه‌ای چین و گسترش نفوذ آن وجود دارند. در سطح بین‌المللی، روسیه، برزیل و هند خواستار ظهور یک سیستم چندقطبی جهانی<sup>۱</sup> و همچنین افزایش تعداد کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل هستند. برخلاف آن‌ها، چین در پی ایجاد یک جهان دو قطبی<sup>۲</sup> است که این کشور را نقطه مقابل آمریکا قرار می‌دهد. با این اوصاف طبیعی است که بریکس برای ایجاد یک نظم نوین جهانی<sup>۳</sup> و پایان دادن به نفوذ آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با چالشی دشوار مواجه خواهد بود (عظیمی، ۱۳۹۲/۱/۲۷: ۲).

#### ۶. پیوند سست میان اعضای بریکس

در مورد بریکس و اهمیت آن نظریات متفاوتی ارائه می‌شود. "جرمی وارنر" از روزنامه *تلگراف* معتقد است در عمل چیزی بجز خشم و تردید نسبت به انحصارگرایی غرب، اعضای بریکس را به هم نزدیک نکرده است (همشهری آنلاین، ۱۳۹۱/۱/۲۷). برخی از این شک و تردیدها و رنجش‌ها قابل توجیه و برخی دیگر غیر قابل قبول هستند. عده‌ای از تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که سران بریکس به جای ایده‌های بلندپروازانه مانند تاسیس بانک توسعه، باید بیش از پیش مواضع خود را هماهنگ نمایند تا بتوانند در زمان مقتضی نامزد مشترکی را برای ریاست بانک جهانی معرفی کنند. آن‌ها استدلال می‌کنند اگرچه آمریکا می‌تواند در عمل مانع از انتخاب چنین نامزدی بشود، اما

1. Global Multi Polar System
2. Dual Polar System
3. New World Order

دست‌کم اعضای بریکس می‌توانند ضمن کسب تجربه بیشتر در زمینه راه‌های دستیابی به اجماع، توانایی اتخاذ مواضع متحد از سوی خود را به رخ غربی‌ها بکشند. بریکس به‌رغم عضویت کشورهای قدرتمند اقتصادی، به لحاظ سیاسی کاملاً یک‌دست نیست. به عنوان مثال، در حالی که چین و روسیه از منظر تعامل با رخدادهای جهانی اغلب مواضع مشترک یا نزدیک به هم دارند، اعضای دیگر نظیر آفریقای جنوبی، برزیل و هند، متناسب با نظام‌های اقتصادی و سیاسی خود که بیشتر به سرمایه‌داری غرب شباهت دارد، مواضع متفاوتی در مقایسه با شرکای اقتصادی خود در قبال مسائل گوناگون اتخاذ می‌کنند. این امر می‌تواند بیش از هر چیزی که کشورهای در حال توسعه را به سوی یک گروه قدرتمند اقتصادی جدید جلب می‌کند، آن‌ها را از همان گروه دور سازد. البته این مسئله‌ای است که در مواضع کشورهای در حال رشد نیز نمود و تجلی دارد. برای مثال، مواضع عربستان سعودی در قبال تحولات سوریه یا دیگر رخدادهای جهان عرب، کاملاً در تعارض با سیاست‌ها و مواضع چین و روسیه است و در نتیجه عربستان سعودی و کشورهای همسوی با این کشور در جهان عرب هر چند می‌توانند روابط تجاری و احتمالاً سیاسی خود را با بخشی از این بلوک توسعه بدهند، اما ناگزیر به همان اندازه هم از بخش دیگری از این بلوک فاصله می‌گیرند و چه بسا در روند تصمیم‌گیری مشترک کشورهای عضو این نهاد در قبال روابط با این کشور نوعی تقابل ایجاد گردد.

کشورهای کلیدی بریکس نظیر چین و روسیه از نظر مباحثی همچون اصول اولیه دموکراسی و آزادی رسانه‌ها و انتخابات آزاد همچنان با انتقادهای وسیعی از سوی غرب که خود را الگوی جامعه بین‌الملل می‌داند روبرو هستند. هند اخیراً با انتقادهای فراوانی در مورد تلاش‌های دولت این کشور برای سرکوب مخالفان مواجه شده و تعداد زیادی از فعالان تبتی از سوی دولت هند زندانی شده‌اند. این عوامل در درازمدت نمی‌تواند تضمینی در جهت تأمین منافع اعضای بریکس ایجاد کند.

آنچه موجب می‌شود اعضای بریکس نتوانند مانند یک نیروی مهم و مؤثر در صحنه جهانی عمل کنند، کمبود سازمان نیست، بلکه ناسازگاری این کشورها با هم است. آن‌ها در بسیاری از زمینه‌های کلیدی با یکدیگر رقابت دارند. در قاره آسیا، هند و روسیه از موانع بالقوه سلطه منطقه‌ای چین هستند. روسیه، برزیل و هند طرفدار یک نظام بین‌المللی چندقطبی هستند که بازیگران اصلی آن خودشان باشند. هند و برزیل خواستار عضویت دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند. چین متقابلاً تاکنون با پیشنهاد هند برای عضویت دائم در شورای امنیت مخالفت کرده است و این یکی از نشانه‌های رقابت این کشورها با یکدیگر محسوب می‌گردد. بنابراین مهم‌ترین نقطه مشترک اعضای بریکس مقابله آن‌ها با سلطه و برتری سیاست‌های اقتصادی کشورهای

غربی است. اعضای بریکس در بیانیه‌ای که همزمان با نشست سال گذشته صادر گردید، یادآور شدند پذیرش سیاست‌های مالی و کلان اقتصادی پاسخ‌گو، پرهیز از ایجاد نقدینگی جهانی بیش از حد و تعهد اجرای اصلاحات ساختاری به منظور جابجایی رشد و تولید شغل برای اقتصادهای پیشرفته، اموری اساسی و کلیدی هستند. در این نشست توافقی مبنی بر ایجاد صندوق توسعه جنوب-جنوب صورت گرفت به این امید که شاید روزی چنین صندوقی بتواند با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی رقابت کند.

سیاست غرب در مورد ایران یکی دیگر از چالش‌های پیش روی بریکس است. اعضای بریکس معتقدند تنها راه حل مسئله هسته‌ای ایران گفتگو است. از نظر آن‌ها هرگونه گزینه غیرسیاسی و عملیات نظامی علیه ایران به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای غیرقابل قبول است و مسائل باید از طرق دیپلماتیک و ادامه مذاکرات حل و فصل شود. رهبران قدرت‌های نوظهور اقتصادی در جریان پنجمین نشست سران بریکس در تاریخ ۲۷ مارس ۲۰۱۳ برابر با ۷ فروردین ۱۳۹۲ در دوربان آفریقای جنوبی، ضمن ابراز نگرانی از تهدید کاربرد نیروی نظامی و اعمال تحریم‌های یک‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی برخی از کشورها و مخالفت با هرگونه تهدید نظامی، خواستار حل و فصل مسئله از طرق سیاسی و دیپلماتیک شدند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۱/۸). هند براین باور است که باید از اختلال سیاسی که موجب اختلال در بازارهای جهانی انرژی شده و جریان تجارت آزاد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، احتراز گردد. در همین حال، کشورهای بریکس همکاری در زمینه مقابله با تروریسم و دزدی دریایی را نیز بایستی افزایش بدهند. جاه‌طلبی بریکس برای تغییر جهان براساس چشم‌اندازهای خود، سؤال‌های بسیاری را در مورد ارزش‌های بنیادین و تاثیر ملاحظات ژئوپلتیک به دنبال دارد. از دیدگاه غرب، اعضای کلیدی بریکس مانند چین و روسیه به دلیل عدم حمایت کافی از رشد و تعالی اصول دموکراتیک نظیر آزادی بیان، انتخابات آزاد و آزادی رسانه‌ها زیر سؤال رفته و فقدان فضای مناسب برای مناظره آزاد یکی از انتقاداتی است که اروپایی‌ها و غربی‌ها به دولت هند وارد می‌کنند.

در مجموع، رویکرد اعضای بریکس در قبال صیانت از حقوق بشر نمونه خوبی برای کشورهای در حال توسعه نمی‌تواند قلمداد گردد. کشورهای غیرمتعهد نگران آن هستند که اعضای بریکس نیز روزی مانند قدرت‌های غربی تبدیل به مدعیانی یکسونگر در سطح جهان گردند که صرفاً براساس برداشتهای متأثر از فرهنگ غرب و منافع خویش و کاربرد "معیارهای دوگانه"<sup>۱</sup> در مورد دیگران قضاوت و داوری می‌کنند.

## ۷. حضور همزمان برخی از اعضای بریکس در پیمان‌های منطقه‌ای دیگر

چین به عنوان دومین اقتصاد برتر دنیا با جمعیتی حدود یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر، دارای تولید ناخالص داخلی به ارزش تقریبی ۱۱/۲۹ تریلیون دلار می‌باشد. این کشور رشد اقتصادی معادل ۹/۲ درصد را برای خود ثبت کرده است. مهم‌ترین مقصد صادرات چین کشورهای آمریکا، هنگ‌کنگ و ژاپن است و بیشترین واردات ۱/۷۴۳ تریلیون دلاری چین از کشورهای ژاپن، کره جنوبی و آمریکا می‌باشد. این در حالی است که پکن، توکیو و سنول ایجاد "منطقه آزاد تجاری"<sup>۱</sup> را در دستور کار خود قرار داده‌اند که با توجه به ظرفیت‌های بالای اقتصادی این سه کشور، تحقق کامل اهداف چنین پیمانی می‌تواند تجربه‌ای موفق‌تر از "نفتا" را جامه عمل بپوشاند.<sup>۲</sup> پنجمین نشست سالیانه سران کشورهای چین، ژاپن و کره جنوبی سال قبل در پکن برگزار شد. تلاش برای تدارک مقدمات همکاری‌های گسترده تجاری و اقتصادی و دستیابی به توافق درقبال چالش‌های امنیت منطقه‌ای، از جمله مواردی بودند که در جریان مذاکرات سه‌جانبه، مورد توافق و تأکید رهبران کشورهای مذکور قرار گرفتند. تحقق آرمان ایجاد منطقه آزاد دربردارنده مزایای قابل توجهی برای چین، ژاپن و کره جنوبی است که به‌رغم اختلافات جدی میان این سه کشور در حوزه‌های سیاسی و امنیتی، آنان را به پیگیری جدی نتایج مذاکرات ترغیب می‌کند. روسیه نیز به عنوان عضو نیرومند بریکس از مدت‌ها قبل ایجاد بلوک و اتحادیه‌های اقتصادی و سیاسی جدید با اعضای شوروی سابق همچون بلاروس، قزاقستان و همچنین با تعدادی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در چارچوب جامعه کشورهای مستقل همسود<sup>۳</sup> را دنبال کرده و می‌کند. آفریقای جنوبی به‌عنوان یکی از ملل مشترک‌المنافع<sup>۴</sup> از تمایلات مشابهی در قاره آفریقا برخوردار است. برزیل نیز که بزرگ‌ترین کشور آمریکای جنوبی است و زمانی یکی از مستعمرات دوردست پرتغال بوده، در حال حاضر به قدرت منطقه یادشده و یکی از بازیگران صحنه بین‌المللی و از شرکای مهم آمریکا و اتحادیه اروپا تبدیل شده است. کشور مزبور که بیشتر قرن بیستم را گرفتار بحران اقتصادی مزمین بود، امروزه به لحاظ سیاست‌های معقولانه و محتاطانه مالی و پولی به‌طور چشمگیری متحول شده است (Roett, 2010)

### 1. Free Trade Zone

۲. ایجاد منطقه آزاد تجاری یا توافقنامه تجارت آزاد میان سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک براساس پیمان منطقه‌ای نفتا (NAFTA) در اکتبر ۱۹۹۲ یکی از نمونه‌های مطرح از پیمان‌های اقتصادی و تجاری در دهه‌های اخیر می‌باشد.

### 3. CIS (Commonwealth of Independent States)

### 4. Commonwealth of Nations , 54 Countries Including South Africa

۱. تقویت جایگاه برزیل نیز موجب شده تا در تشکل‌هایی مانند مرکوسور حضور داشته و مواضع آن از سوی دیگر کشورها و تشکل‌های منطقه‌ای و بین‌المللی رصد گردد.

### نتیجه‌گیری (چشم‌انداز آتی بریکس)

سیاست‌های نادرست و سلطه‌طلبانه آمریکا و اروپا باعث ایجاد بلوک‌ها و ائتلاف‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس گردیده که می‌توانند چالش بزرگی برای انحصارطلبی نهادهایی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به‌شمار آیند (عباس همدانی، ۱۳۹۱: ۱).

بریکس از جمله نهادهایی است که بنا به اقتضات گوناگون و ضروریات اقتصادی در قرن حاضر شکل گرفته و فعالیت رسمی خود را از سال ۲۰۰۹ آغاز کرده است. هر چند اشتراکات و الزامات اقتصادی به تدریج مقدمات موضع‌گیری اعضای بریکس در حوزه مسائل مهم سیاسی و بین‌المللی و به نوعی عرض اندام سیاسی آن را فراهم می‌کنند، اما به نظر می‌رسد این گروه تا تبدیل شدن به یک بازیگر تمام‌عیار و مهم در صحنه بین‌المللی هنوز راه درازی در پیش رو دارد. تعامل کشورهای در حال توسعه با این قدرت نوظهور اقتصادی-سیاسی می‌تواند در رشد و پیشرفت آن‌ها مؤثر باشد. در این میان، کشورهایی که به دنبال یک الگوی توسعه موفق و پایدار بوده و یا به هر دلیلی از راه‌یابی و پیوستن به مجموعه قدرت‌های صنعتی و اقتصادی مطرح دنیا بازمانده‌اند، می‌توانند با الحاق به چنین بلوک‌ها یا سازمان‌هایی در جهت تأمین نیازهای اقتصادی خود تلاش نمایند.

با این که رشد اقتصادی بالای اعضای بریکس آن‌ها را دور هم جمع کرده، اما منافع ملی و مسائل ژئوپلتیک متفاوت امکان اینکه اعضای این گروه بتوانند به راحتی به یک توافق دسته جمعی و اجماع در مواضع و دیدگاه‌های کلی خود دست یابند را دشوار و پیچیده کرده است. تضادها و رقابت‌های درونی بریکس، جغرافیای دور، روابط جداگانه و مناسبات تک‌تک این کشورها با غرب و به‌ویژه عدم همراهی چین با بقیه، مانع از موفقیت سریع و کامل اقدامات دسته‌جمعی آن‌ها می‌شود. فلسفه وجودی بریکس، اقتصادی است و این همان حوزه‌ای است که کشورها می‌توانند در آن با هم رقابت نمایند، اما به دلیل درهم‌تنیدگی منافع، نمی‌توانند این رقابت را به مرحله ضدیت برسانند. در این رقابت، رقبا برای به‌دست آوردن امتیاز چانه‌زنی می‌کنند تا به توافق برسند و کسی به دنبال نابودی و تخریب رقیب یا حتی زدن ضربه کاری نمی‌باشد. این که منافع مشترک اقتصادی تا چه حد می‌تواند منجر به اشتراک نظر و همگرایی در حوزه مباحث سیاسی گردد و پرداختن به چنین مباحثی ممکن است ناخواسته زمینه‌ساز

تشدید اختلاف نظر میان اعضای بریکس شده و حتی منافع مشترک اقتصادی آن‌ها را تحت الشعاع قرار بدهد، سئوالی است که تنها گذشت زمان پاسخ آن را مشخص می‌سازد. اعمال کنترل و حاکمیت بهینه بر شرکت‌های اقتصادی و تجاری کشورهای بریکس، ایده ارزشمندی است که بر اهمیت آن تاکید شده است. شرکت‌های بسیاری در اقتصادهای نوظهور از مدتی قبل به اهمیت و مزایای چنین موضوعی پی برده‌اند. موفقیت برزیل در تنظیم فهرستی خاص برای برخورداری شرکت‌های مختلف آن از استانداردهای اساسی حاکمیت بهینه بر کسی پوشیده نیست. با تمام این احوال، انتقال و تسری حاکمیت بهینه به همه بازارهای جدیدی که با سرعت بالایی توسعه پیدا کرده‌اند، هنوز امری دشوار است. در چین هنوز تعداد زیادی از شرکت‌ها تحت کنترل و مالکیت دولتی قرار دارند که مسائل مهمی را در زمینه حقوق اقلیت سهام‌داران ایجاد کرده است. چنین مسائلی غالباً در شرکت‌هایی که تحت مالکیت فامیلی یا یک گروه خاص قرار دارند نیز مطرح می‌گردند و البته حضور قوانین منسجم و یکپارچه در بسیاری از این بازارها هنوز در مراحل رشد اولیه خود قرار دارد (Borodina, Shvyrkov & Bouis, 2010: X-XI).

هر چند کشورهای بریکس تاکنون به پیشرفت موثری در نظام‌های آموزشی خود نایل گردیده‌اند و وعده گسترش و پیشبرد بیش از پیش آن را در دهه‌های آتی داده‌اند، با این حال هنوز هیچ تضمینی وجود ندارد که همه اعضای بریکس بتوانند همچون حوزه اقتصاد و سیاست در زمینه سایر علوم آکادمیک نیز با همان سرعت به برتری و پیشرفت لازم دست یابند (Albach, 2012: 127).

در مجموع، هر چند بریکس می‌تواند آینده اقتصادی و به تبع آن سیاسی مهمی را پیش روی خود داشته باشد، اما به همان اندازه ممکن است شکننده و متزلزل هم باشد. بخشی از این بلوک یعنی برزیل، هند و آفریقای جنوبی تمایل بیشتری به سیستم بازار آزاد و اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال دارند. از این‌رو کشورهای در حال توسعه برای تعامل با چنین نهادی باید اولویت‌های خود را براساس واقعیات و نه توقعات تنظیم نمایند.

برخی براین باورند که دولت روسیه احتمالاً تمایل چندانی برای حضور در اجلاس بریکس ندارد، ولی آن را به عنوان راهی برای تحقق پروژه‌های نفوذ خویش در مناطق جغرافیایی از دست رفته بعد از سقوط شوروی تلقی می‌کند. چین، روسیه و هند از نظر ترکیب در یک دسته و برزیل و آفریقای جنوبی هم در دسته‌هایی جداگانه طبقه‌بندی می‌شوند. دسته اول یعنی چین، روسیه و هند به لحاظ سوابق تاریخی، تأثیرات سیاسی و اقتصادی در جهان و به لحاظ اقلیمی و جمعیتی قطعاً با برزیل و آفریقای جنوبی قابل مقایسه نیستند. نکته مهم‌تر روابط و سوابق مشترک تاریخی این



سه کشور است. چین و هند آسیایی در کنار روسیه آسیایی-اروپایی تا به امروز روابط سیاسی و اقتصادی پرفراز و نشیبی را تجربه کرده‌اند.

عده‌ای نیز معتقدند سازمان‌هایی مانند شانگهای و بریکس به دلیل عضویت روسیه و چین در آن‌ها نوعی توازن قوا در مقابل غرب و ناتو قلمداد می‌گردند. مواضع چین و هند نیز در خصوص چنین مباحث سیاسی مهم تلقی می‌شوند. بنابراین، می‌توان اظهار داشت هیچ کشوری نمی‌تواند تا ابد قدرت اقتصادی باقی بماند. کشورهای در حال توسعه اگر بخواهند می‌توانند با استفاده از منابع انسانی و طبیعی و با بهره‌برداری صحیح از الگوهای اقتصادی متناسب با شرایط خاص خویش به پیشرفت‌های مورد نظر نایل گردند. این کار را کشورهای بریکس طی حداقل دهه گذشته انجام داده و با اتکا به منابع و سرمایه داخلی و استفاده از فرصت‌های سیاسی و اقتصادی توانسته‌اند تبدیل به الگویی برای سایر کشورها شوند. نکته حائز اهمیت در این بلوک جدید اقتصادی این است که اعضای آن نه تنها در شاخص‌های کلان اقتصادی با همدیگر هم‌سو می‌باشند، بلکه برخی از شاخص‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی آن‌ها نیز تاحدودی در راستای هم قرار دارند. اعضای بریکس تمایل خود را برای تلاش گروهی جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات سیاسی جهان اعلام کرده‌اند که از جمله می‌توان به مواضع مشترک این کشورها در خصوص تحولات مربوط به سوریه و فعالیت هسته‌ای مسالمت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. البته نباید این نکته را فراموش نمود که کشورها در مواقع حساس و سرنوشت‌ساز منافع ملی خود را در اولویت قرار می‌دهند و ابایی از معامله و مصالحه بر سر منافع مرتبط با سایر کشورها در مقابل اخذ امتیازات مورد نظر خود ندارند. احتمال بهره‌برداری روسیه و چین از ابزاری همچون مسائل مربوط به ایران و سوریه برای چانه‌زنی سیاسی با کشورهای غربی و اروپایی نیز از این امر مستثنی نبوده و نیست و تنها ممکن است تفاوت‌هایی با هم داشته باشد.

شناسایی نقاط قوت و ضعف بریکس و برنامه‌ریزی برای گسترش تعامل و همکاری‌های متقابلاً سودمند با کشورهای عضو و استفاده از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل آن و همچنین تشویق سازمان‌هایی مانند اکو<sup>۱</sup>، جنبش عدم تعهد و سازمان همکاری اسلامی<sup>۲</sup> به ارتباط و رایزنی بیشتر با گروه یادشده، از جمله مواردی هستند که می‌توانند مسیر نیل به اهداف مورد نظر دیپلماسی عمومی کشورمان را هموار نمایند.

1. ECO (Economic Cooperation Organization)  
2. OIC (Organization of Islamic Cooperation)

جمهوری اسلامی ایران با ۵ عضو بریکس به خصوص روسیه، چین و هند دارای روابط و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی قابل توجهی است. موقعیت جغرافیایی خاص ایران در خاورمیانه و ظرفیت‌های آن در حوزه نفت و گاز و معادن و همچنین مخالفت کشورمان با سلطه‌طلبی نهادهای اقتصادی و سیاسی غرب زمینه‌های خوبی برای نزدیکی بیشتر به گروه بریکس می‌باشند (راوندی، ۱۳۹۲: ۹-۱).

### منابع

۱. حسینی، دیاکو، ۱۳۹۱/۱/۱۰، "بی‌نظمی‌های ژئوپلیتیکی"، آرشیو پورتال دیپلماسی ایرانی .
۲. راوندی، رامتین (۹۲/۳/۵)، "مزایای پیوستن ایران به بریکس"، روزنامه ایران.
۳. شریف روحانی، احسان (۹۱/۱/۲۷)، "قدرت‌های جدید جهان"، همشهری آنلاین، کد مطلب: ۱۶۶۲۸۷.
۴. عبدالقیوم (۹۱/۲/۳)، "اتحادیه بریکس و مقابله با غارت کشورهای در حال توسعه"، ترجمه: سید ضیغم عباس‌همدانی، سایت خبری اسلام تایمز، [www.islamtimes.org](http://www.islamtimes.org).
۵. عظیمی، دلارام (۱۳۹۱/۱/۲۷)، "رقابت از وحدت سبقت می‌گیرد"، همشهری آنلاین، کد مطلب: ۱۶۶۳۵۹.
۶. محبوبانی، کشور (۱۳۹۲/۷/۸)، "اقتصادهای نوظهور بریکس، برداشت از گزارش اکونومیست"، پایگاه اینترنتی فیلسوسوسیولوژی ایران، [www.philosociolog.ir](http://www.philosociolog.ir).
۷. هاشم‌خانی، میثم (۱۳۹۱/۳/۸)، "چرا کشورهای BRIC اهمیت کلیدی دارند؟"، سرمقاله، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۶۵۲، صفحات ۱ و ۲.
۸. همدانی، عطیه (۱۳۹۱/۵/۱۱)، "آینده اقتصادهای نوظهور و مشکلات آن‌ها"، اقتصاد آنلاین، منشور اقتصادی ایران.
۹. آرشیو پورتال دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱/۱/۱۰، "شورای همکاری خلیج فارس و شرکای جدید اقتصادی".
۱۰. آرشیو پورتال دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱/۱/۱۰، "مخالفت بریکس با تحریم‌های آمریکا علیه ایران".
۱۱. ایرنا، ۹۲/۰۲/۳۰، "چین و هند می‌خواهند موتور اقتصاد جهان باشند".
۱۲. ایرنا، ۱۳۹۲/۰۱/۰۷، "سران بریکس رسماً با تشکیل بانک توسعه موافقت کردند".
۱۳. ایرنا، ۱۳۹۲/۰۱/۰۷، "نشست رسمی سران بریکس در دوربان آفریقای جنوبی"، کد مطلب: ۸۰۵۹۴۹۱۱.
۱۴. پایگاه خبری و تحلیلی افق، فروردین ۱۳۹۱، "نامه رئیس جمهوری سوریه برای رهبران کشورهای عضو بریکس"، ۱۱ صفحه.

۱۵. خبرگزاری فارس، ۹۲/۰۱/۰۹، "اعطای کرسی سوریه به معارضان و حمایت بریکس از دمشق، طبل جنگ را خواهد کوبید".
۱۶. خبرگزاری فارس، ۹۲/۰۱/۰۷، "امضای بیانیه مشترک راهبردی بین روسیه و آفریقای جنوبی".
۱۷. خبرگزاری فارس، ۹۲/۰۱/۰۷، "پنجمین نشست کشورهای عضو بریکس آغاز به کار کرد".
۱۸. خبرگزاری فارس، ۹۲/۰۱/۰۸، "رهبران بریکس: گفتگو تنها راه حل موضوع هسته‌ای ایران است"، شماره ۱۳۹۲۰۱۰۸۰۰۰۴۲.
۱۹. خبرگزاری فارس، ۹۲/۰۲/۰۷، "سوریه خواستار پیوستن به سازمان همکاری‌های شانگهای شد".
۲۰. روزنامه ایران (گزارش ویژه)، ۹۲/۳/۵، "تشکیل گروه بریکس"، شماره ۵۳۷۵.
۲۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۱/۳/۱۶، "غول‌های آسیای شرقی و پروسه همگرایی منطقه‌ای"، شماره ۲۵۳۲۸.
۲۲. روزنامه دنیای اقتصادی، ۱۳۹۱/۳/۷، "به سوی بحرانی دیگر در اقتصاد جهان".
۲۳. روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۱/۲/۲۸، "اشک‌ها در پس لبخند چین".
۲۴. صدای روسیه (بخش فارسی)، ۲۰۱۱/۱۱/۱۶، "صندوق پول سیاسی بریکس".
۲۵. مؤسسه مطالعاتی و تحقیقاتی آفران، آفریقا و ایران، ۱۳۹۱/۲/۲۳، چالش‌های آفریقای جنوبی برای ادامه حضور در میان قدرت‌های نوظهور جهانی، "www.afiran.ir".
۲۶. مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا، ایراس، ۱۳۹۰/۱/۲۷، "روسیه و نشست بریکس"، "www.iraneurasia.ir".
۲۷. همشهری آنلاین، ۱۳۹۱/۱/۲۷، "اژدهای شرق در حال بیدار شدن است"، (گفتگوی کامران جهانبخش با دکتر داود هرمیداس باوند)، کد مطلب ۱۶۶۳۲۶.
۲۸. همشهری آنلاین، ۱۳۹۱/۱/۲۷، "این انجمن را جدی بگیرید"، کد مطلب: ۱۶۶۲۹۳.

29. Albach, Phlliph G.( 2012), "The Prospects for the BRICS – The New Academic Superpowers? " ,Economic & Political Weekly,October/27/2012, Vol XLVII, No. 43, pp 127-137.

30. Benyukh, Natalya (2012), "Prospects for BRICS Cooperation: Stability and Growth", The Voice of Russia, May 26. 2012

31. Borodina, Svetkana & Shvyrvkov, Oleg & Bouis, Jean-Claude (2010),"Investing in Bric Countries, Evaluating Risk and Governance in Brazil, Russia, India & China", New York, London, New Delhi, Mc Graw-Hill Inc.

32. Kobayashi, Mark-Hillary (2008),"Building a Future with BRICs-The Next Decade for Offshoring", Springer, Verlage Berlin Heidelberg.

33. Nye, Joseph S. (April 3/2013), "BRICS without Mortar", Project Syndicate the World's Opinon Page, Business & Finance,

34. Roett, Riordan (2010),"The New Brazil", Washington DC: Brookings Institution Press,

35. Thompson, Derek and Fisher, Max (2012), "5 Lessons From the Rise of the BRICS", The Atlantic Monthly Group, [www.theatlantic.com](http://www.theatlantic.com)
36. Tian, Wei (2012-12-05), "BRICS nations to deepen ties", [chainadaily.com](http://chainadaily.com)
37. Yifan, Ding (2012-10-18), " BRICS can build optimism", [chainadaily.com](http://chainadaily.com)
38. [www.africa-union.org](http://www.africa-union.org)
39. [www.brics5.co.za](http://www.brics5.co.za)
40. [www.bricsindia.com](http://www.bricsindia.com)
41. [www.Dawn.com](http://www.Dawn.com) , Brics Summit.
42. [www.donya-e-eqtesad.com](http://www.donya-e-eqtesad.com)
43. [www.irandiplomatic.com](http://www.irandiplomatic.com)
44. [www.irdiplomacy.ir](http://www.irdiplomacy.ir), "Syria, veto and balance of powers change", Iranian Diplomacy Archive, 9 Oct. 2011 & 29 March 2012.
45. [www.project-syndicate.org](http://www.project-syndicate.org)
46. [www.sanya.gov.cn](http://www.sanya.gov.cn), Brics Summit in Sanya Chaina (2011),
47. [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org)